

وحدت اسلامي در چارچوب تفسير و رويکردهايش

وحدت اسلامي در چارچوب تفسير و رويکردهايش

دکتر علي رمضان الاوسي

استاد تحصيلات تکميلي دانشگاه جهاني علوم اسلامي لندن

وحدت اسلامي در چارچوبهاي تفسير و رويکردهايش

با نزول قرآن کریم نیاز به تبیین و توضیح آن به وجود آمد و پیامبر صلي الله عليه و آله به عنوان اولین معلم در این امر خطیر بود و خداوند منزله در آیه ای به آن اشاره کرده است:

(وانزلنا إليك الذكر لتبين للناس ما نزل اليهم ولعلهم يتفكرون) : (این قرآن را به سوي تو فرود آوردیم، تا براي مردم آنچه را به سوي ایشان نازل شده است توضیح دهی)

پیامبر خدا (صلي الله عليه و آله) به تبیین کل قرآن پرداخت به عبارت دیگر براي مردم آیات را که نیاز به تفسير آن داشتند، تفسير مي کرد و زماني که مسلمانان از او سوالي مي کردند پاسخ مي داد، و همراه با آن آیات را براي گروه خاصي از مردم به تفضیل بیان مي کرد، بنابراین آیه ای از آیه های قران نبود جز اینکه پیامبر (صلي الله عليه و آله) به تشریح آن پرداخت و بدون آن قرآن براي مردم حجت نمي شد.

این تحقیق به دو بخش تقسیم شده است:

1. چارچوبها و روشهای تفسیر

2. قرآنیان و نقش آنها در گسترش فرهنگ تقریبی قرآنی

بخش اول: تفسیر مآثور اولین نوع تفسیری بود که ظهور کرد و شامل تفسیر بعضی از آیات خود قرآن برای بعضی دیگر و آنچه که از رسول صلی الله علیه و آله و اهل بیت و صحابه و همچنین تابعین نقل شده است، می باشد.

درباره آنچه که از صحابه و تابعین نقل شده است اختلاف نظر وجود دارد، بعضی آنها را در شمار تفسیر مآثور می آورند و بعضی دیگر آنها را در شمار تفسیر به رای می دانند و گروهی در تفسیر به گفته تابعین استناد می کنند زیرا تابعین بیشتر تفسیراتشان را از صحابه دریافت کرده اند. در این میان ابن تیمیه با گفته های تابعین مخالفت می ورزد و می گوید: بی تردید این سخنان برای مخالفان حجت نیست، اما اگر بر چیزی اجماع کردند قطعاً حجت است، و اگر اختلاف کردند گفته بعضی بر بعضی دیگر و بعد از آنها حجت به حساب نمی آید و باید درباره آن به زبان قرآن یا سنت یا زبان عمومی عرب یا گفته های صحابه مراجعه کرد.

جامع البیان طبری به عنوان بهترین تفسیر مآثور نزد مفسرانی بود که به تفسیر نقلی اهتمام می ورزیدند، از این رو امتیازی که طبری بر مفسران اثری دارد، این است که سخنان را به طور پیوسته و سلسله وار به صاحبانش اسناد می دهد و بر روایت رسول (ص) و صحابه و تابعین تکیه دارد.

با وجود اینکه سیوطی در تفسیرش (الدر المنثور) سند آثار را حذف کرده است اما با تلاشی که او در زمینه تفسیر مآثور کرده است به عنوان احیا کننده تفسیر مآثور به شمار می رود، پس از اینکه تفسیر به رأی با مطالعه فرهنگهای مفسران رونق گرفت و از مترجمان متفکر تاثیر پذیرفت.

قابل ذکر است که برخی از مفسرین نقل قصه های نبوی و قصه های امت های گذشته را گسترش دادند و درباره آنها به اهل کتاب استناد می کنند زیرا قرآن کریم زیباترین کلمات را درباره آنها گفته است، و هدفش از بیان آنها آگاهی و عبرت گرفتن از سنت الهی در جامعه انسانی است. خداوند متعال در قرآن فرمود: (وَكَذَلِكَ نَرْفَعُ قُصُصًا لِّعَلَّايُذِّكُوا مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنْزِلُ بِهِ فُؤَادَكَ

وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ (1): (هر سرگذشتی از سرگذشت‌های رسولان، آنچه را که دلت را با آن استوار کنیم، برای تو باز می‌گوییم و در این سوره حق کامل و پند و تذکاري ویژه اهل ایمان بر تو آمد).

ابن خلدون به توجیه این روایتها به این اعتبار که دینی و اجتماعی بودند می‌پردازد، در آن زمان بر جهان عرب صحرا نشینی و بی‌سوادی حاکم بود و علاقه مند به شناخت چیزی بودند که آنها را به شوق بیاورد، مانند جستجو در علت وجود، آغاز خلقت، اسرار وجود، و آنها در این مورد فقط از اهل کتابی که قبل از آنها بودند سوال می‌کردند، از نظر اعتبار دینی این منقولات ارتباطی به عقیده و احکام ندارد و مفسران درباره آنها مسامحه کرده‌اند و تفاسیرشان را از نقل قول‌های عامه اهل تورات انباشته‌اند. و از جمله کسانی که در این باره به تفصیل پرداخته است احمد بن محمد ابراهیم ثعالبی نیشابوری (ت 427 هـ) در کتابش (التفسیر الکبیر) است.

اما از نظر امامیه مآثور شرح و بیانی است که در قرآن کریم آمده و از رسول اکرم ص و امامان اهل بیت نقل شده است، شیخ ابو جعفر طوسی (ت 460 هـ) گفت: پیامبر (ص) بر قرائت قرآن و تمسک گرفتن به آنچه که در آن است تشویق کرد، و اختلاف نظرانی را که در فروع آن وجود دارد پاسخ داد. و افزود: اصحاب ما یعنی امامیه گفته‌اند که تفسیر قرآن فقط با تاثیر صحیح از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه (علیهم السلام) جایز است، کسانی که گفته‌شان چون پیامبر (ص) حجت است. و آن به سبب وصیتی است که پیامبر (ص) درباره آنها کرده است و به تواتر نقل شده است: (إني تارك فيكم ما إن تمسكتُم بهما لن تضلوا بعدي أبداً: كتاب الله وعترتي أهل بيتي، وانهما لن يفترقا، حتي يرثا عليّ - الحوض)

اما آنچه که از صحابه و تابعین نقل شده است به ذات خود حجت نیست. از تفاسیر امامیه اثریه می‌توان (تفسیر محمد بن مسعود عیاشی) و (تفسیر فرات بن ابراهیم کوفی) و (تفسیر علی بن ابراهیم قمی) را نام برد.

تفسیر مآثور با تالیف اسرائیلیات (روایات یهود و مسیحیت) به ضعف گرایید همچنین حذف اسناد بعد از تفسیر طبری در آن سهم بود و آن سبب مختصر گویی بعضی از مفسران چون البغوی فراء (ت 510 هـ) و ابن اثیر (ت 774 هـ) و سیوطی (ت 911 هـ) شد، سیوطی در مقدمه کتابش (الدر المنثور) می‌گوید: (وقتی که کتاب ترجمان القرآن را که تفسیر مسند از پیامبر صلی الله علیه و سلم و یاران‌ش است در دو جلد تالیف کردم، هر چه را که از تفسیر اثری در آن وارد کرده بودم با استناد به کتاب‌هایی بود که در این زمینه بود در تمامی آن احادیث قصور و اختصار در متن حدیث بدون اسناد و تفصیل بود، از این رو این

مختصر را از آنها به صورت مضمون اثری و مختصر استخراج کردم به عنوان منبعی که از همه کتابهای معتبر در آن تلخیص شده و آن را " الدر المنثور في التفسیر بالمأثور " نامیدم.

بنابراین در مسیر تفسیر اثری مضامین باید روایت شده و نظر مفسران گذشته لازم باشد و در منابعشان: خود قرآن، سنت معصوم، زبان، زمان و مناسبت نزول و امثال آن که برخاسته از اثر و اندکی اجتهاد است، آشکار است.

تعریف تفسیر به رأی: رأی در لغت بر عقیده و قیاس و اجتهاد اطلاق می‌شود و اهل قیاس جزء اصحاب الرأی به شمار می‌آمدند زیرا آنها نظرشان را عاری از حدیث یا اثر ارائه می‌کردند.

و منظور از آن در اینجا تفسیر اجتهادی قرآن است. تفسیر به رأی به عنوان یک روش تفسیری پس از تفسیر اثری ظهور کرد، اگرچه تلاشهایی از سوی برخی از مسلمانان صورت گرفته که نشان می‌دهد آنها در تفسیر از رأی استفاده کردند به خصوص اگر به بررسی یکی از منابع تفسیری در عصر صحابه، که آغاز اجتهاد و استنباط بود، و عصر تابعین پردازیم که در گذشته بیان شد.

بعضی از محققان به بیشتر از آن اعتقاد دارند و می‌گویند ممکن است در عصر نبوت نیز رواج داشته است، برخی از مسلمانان به طور فطری به قرآن روی آوردند و زمانی که دیدار پیامبر(ص) برایشان میسر نمی‌شد نظر خود را در آن اعمال می‌کردند، از این رو در این دوره کسانی بودند که قرآن را تفسیر به رأی می‌کردند.

ولی تفسیر به عنوان یک علم و نیاز با رسول خدا(ص) به وجود آمد و رواج یافت و پس از اینکه پیامبر به تبیین آن در میان امت پرداخت تا حجتی بر مردم باشد، از ویژگی اثری برخوردار شد و از آنجا روشهای تفسیر گسترش یافت و راههای آن با توجه به تاریخ این علم، متنوع شد. بنابراین تمام انگیزه‌ها و شرایطی که پیدایش این علم را می‌طلبید حاکی از این است که پیامبر(ص) در پرتو این نیاز به تفسیر قرآن پرداخت و حتی تفسیر یک آیه از مسلمانان پوشیده نماند.

و اینچنین مسلمانان از روش پیامبر در بیان معانی قرآن کریم استفاده بردند و از علومش به ویژه در گرایشهای اولیه تفسیر، سیراب شدند، بعدها همراه با گسترش روشها و رویکردهای تفسیری دانشمندان قرآن ضوابط و شروطی را برای مفسران تنظیم کردند تا امامت قرآنی در بیان معانی قرآن کریم متصل به امامت پیامبر و عصمت مطهر باشد.

با توجه به این شاخصها، به طور خلاصه می‌توان گفت که فرصتهای نزدیکی و وحدت بر تفسیر این قرآن جاوید حاکم و غالب است و کسی که از آن تجاوز کند باید برای ادعای خود دلیلی بیاورد.

بر اساس این تاکید آشکار باید به اصل وحدت و اختلاف توجه شود تا فعالیتهای تقریبی و تلاشهای وحدت اسلامی در انجام واجبات این امت عمل کند به ویژه از جهت چالشهای بزرگی که بدون استثنا موجودیت این دین و همه مسلمانان را تهدید می‌کند و اجتهادات در چارچوب احترام و تقدیس امت نیکوکار باقی بماند.

چارچوبها و رویکردها:

روش: مجموعه اصول و قواعدی است که مبتنی بر واکاوی نص قرآنی و تبیین معنایش و معرفی نتایجش می‌باشد.

رویکرد: مجموعه دستاوردها و نتایج تفسیری است که از طریق روش به وجود می‌آید.

این روشها و رویکردها با پیدایش تفسیر عقلی یا تفسیر به رأی و تفسیری که از جهتی تفسیر مأثور و از جهتی دیگر مبتنی بر قواعد و اصول عقلی با استفاده از روش تدبر قرآنی است، خداوند در قرآن به آن اشاره کرده است: (أفلا يتدبرون القرآن أم علي قلوب أقفالها): (آیا در قرآن تدبر نمی‌کنند یا اینکه بر دلهایشان قفلهایی است)

در این فراوانی روشها و رویکردهای تفسیری مشکلی وجود ندارد تا زمانی که نص قرآنی مایه رحمت و پاسخگوی سوالات و شبهات و مدافع وحدانیتی است که خداوند برای انسانها در این هستی گسترده اراده کرده است.

امت اسلامی اخیرا با مشکلات بزرگی در زمینه اعتقادی و فکری و رفتاری مواجه شده است که دین را در بعضی از عرصه‌ها به دلیل کوتاهی و قصور مدافعانش می‌لرزاند، با وجود آن مفاد قرآنی چون سوارکار شجاعی است که هر زمانی که از استنطاق شود پاسخ می‌دهد، و مشکل عمده در قرائت و بررسی و تفسیر آن وجود دارد که سبب برانگیختن بسیاری از اختلافات شده است ولی محتوا یکی است که از جانب خداوند یکتا

برای ایجاد اعتقاد واحد و شکل‌گیری امت واحد نازل شده است بنابراین چطور به خودمان اجازه می‌دهیم که از این وحدت به عنوان هدف والا در قرآنی که همه پژوهشگران برای واکاوی و تعامل با آن جمع شده‌اند، روی گردان شویم، در اینجا به برخی از ضروریات موجود در قرآن درباره اتحاد و نزدیکی میان مسلمانان، در قالب نکته‌هایی اشاره می‌کنیم:

1. قرآن منبع رحمت است، وقتی که مفسران با محتوای گرانقدرش مواجه می‌شوند، همگان با پذیرش آن به تامل در آن و تفسیر آیاتش می‌پردازند سپس آن را در اجتماع منتشر می‌کنند، همه قاریان قرآن بدون هیچ تبعیضی از کرامتهای قرآن برخوردار می‌شوند به عبارت دیگر هرکس که قرآن را تلاوت کند قطعا از مضمون آن و معانی اش سود می‌برد و این وجه مشترک موثری برای کسانی است که آن را تفسیر و تبیین می‌کنند.

2. نیازهای مردم مدرن با همه خصایصشان انگیزه دیگری است که سبب واکاوی قرآن کریم و استنباط احکامش و دیدگاه‌هایش می‌شود زیرا قرآن به عنوان اولین منبع قانون است.

3. در برابر مشکلاتی که دشمنان از طریق شبهات و وارونه کردن حقایق و گمراه ساختن افکار و نشانه گرفتن فکر مسلمان وارد می‌سازند، مفسران تنها راه مقابله و خنثی کردن این مشکلات را قرآن کریم و استدلال به آن می‌دانند و این زمینه دیگری است که سبب وحدت می‌شود حتی اگر روشهای تفسیر متعدد باشد.

4. از جعل قرآن کریم به عنوان اولین منبع قانون جلوگیری شد و زمانی که قانونها در کشورهای اسلامی وضع شد، مسلمانان تلاش کردند که یک روش را بعد از آمدن کتاب خداوند داشته باشند و برای هدف واحدی که بالا بردن نقش قرآن در قانون کشورهای اسلامی صرف نظر از گرایشهای مذهبی در مکانهای مختلف بود، بکوشند.

5. کتابی که همه مسلمانان بر آن اجماع دارند قرآن کریم است و این جایگاه آنها را در جان مردم و تاثیرش را در عقول و نقش اش را در شکل‌گیری انسان و جامعه افزایش می‌دهد، بنابراین مسلمانها در امر معینی با یکدیگر متفق‌اند و این اشتراک قرآنی دیگری است که پیرامون آن روشها و راهکارهای تفسیری به وجود آمده است.

6. تنوع فکری گسترده در قرآن کریم سبب جذب بیشترین تعداد ممکن از پژوهشگران در این عرصه شد، قرآن

کریم سبب ساماندهی تلاشهای فکری شان می‌شود و آنها را در مسیر وحدت و نزدیکی به یکدیگر هدایت می‌کند و این انگیزه دیگری است که افکار را، از جهت اشتراک در منبعی که به آن متکی‌اند، به هم نزدیک می‌کند.

بنابراین قرآن کریم بر ساماندهی افکار و پیراستگی اخلاق و شکل‌گیری جامعه تجمیع شده است و کسی که بخواهد در این عرصه‌ها وارد شود باید از سفره قرآن کریم بهره بگیرد، به واکاوی در مفاهیم گرانقدرش پردازد و در تبیین آن از روشهای تفسیری استفاده کند و این وجه مشترک دیگری است که بر آن متفقیم، ممکن است کسی روشی را در تفسیر به کار گیرد و دیگری روش دیگری را اعم از تجزیئی یا موضوعی به کار بگیرد، و هر چه از ویژگی‌های لغوی یا کلامی یا فلسفی و غیر آن بر تفسیر غلبه کند همچنان همه مفسران را با یکدیگر متحد نگه می‌دارد.

بخش دوم: قرآنیان و تلاشهایشان در گسترش فرهنگ تقریبی قرآن

مقصود از قرآنیان:

ابتدا لازم می‌آید تا معنا و منظور از قرآنیون مشخص شود تا از آن اصطلاحی که اخیرا درباره گروه قرآنیون در آمریکا به وجود آمده است، دوری شود. آنها کسانی‌اند که فقط بر قرآن کریم تکیه می‌کنند و سنت را رها می‌کنند و تفسیرهای قرآنی عجیبی دارند که سبب انحراف روش تفکر قرآنی می‌شود.

و قطعاً منظور از قرآنیون کسانی‌اند که به وظیفه اصلی خود که انتشار فرهنگ قرآنی با استفاده از نفوذ خودشان، و در عرصه‌های مختلف میان مردم است عمل می‌کنند و روح قرآنی را در وجود و رفتار و فکرشان منتشر کنند و گرنه نمی‌توانند آنطور که قرآن که سخن خداوند مجید است، خواسته است محتوای قرآنی را نشان دهند.

بنابراین آنها کسانی‌اند که اهداف سخن قرآنی را درک می‌کنند و از روشهای تفسیر صحیح قرآن کریم بهره می‌برند و سنت شریف را رها نمی‌کنند و از آنچه که عالمان اولیه، کسانی که روشهای تفسیر قرآنی را برایمان ترسیم کردند، کمک می‌گرفتند، یاری می‌جستند.

فرهنگ قرآنی:

فرهنگ قرآنی مجموعه معلومات و اطلاعات قرآنی است که با علم تفسیر و علوم مختلف قرآنی شکل می‌گیرد و گرایشهای تفسیری ایجاد می‌کند، مانعی که بتواند از این دستاورد قرآنی جلوگیری کند وجود ندارد و از طریق قواعد تفسیر و ضوابطش گسترش می‌یابد، نمی‌توان آنطوری که تولیدات بشری را توصیف می‌کنند به توصیف معلومات قرآنی به عنوان فرهنگی انسانی پرداخت، زیرا از مضمون مقدسش به معانی و افکار و نکته‌هایی اشاره می‌کند که نمی‌توان آن را با تلاش مطلق بشری تطبیق داد. لذا نمی‌توان واژه فرهنگ قرآنی را نام برد و منظور از آن همان معنای فرهنگی باشد که در فعالیتهای روزانه مان استعمال می‌شود. بنا بر این فرهنگ قرآنی مجموعه مفاهیم و معلوماتی است که شامل تأمل و بررسی علوم قرآنی است.

چرا مسئولیت انتشار قرآن را به عهده می‌گیریم:

1. اول اینکه قرآن کریم به ما دستور می‌دهد که به تبلیغ دینی و تشریح مضمون قرآن بپردازیم.

خداوند منزله در قرآن فرمود: (هذا بلاغ للناس ولينذروا به وليعلموا انما هو إله واحد وليذكر اولوا الالباب): (این قرآن پیام روشنی برای مردم است، و برای اینکه بدان انداز شوند و بدانند که تنها او معبود یگانه است، و تا صاحبان خرد پند گیرند). (سورة ابراهيم: 52)

و آیات بسیاری که در تبلیغ کتاب خداوند برای مردم این اجبار را به وجود می‌آورد.

2. از جهت دیگر خطرهایی جدی وجود دارد که امت و انسان را با هم در معرض انحراف قرار می‌دهد و سبب نابودی ساختار اجتماعی جامعه مسلمان می‌شود، در مقدمه این تهدیدها هدفشان فکر مسلمان و گسترش فرهنگهای غریب با واقعیت اسلامی است که این تلاش بیشتر را برای مواجهه با این تهدیدها از طریق تبلیغ فرهنگ اصیل اسلامی و درک اصیل قرآنی از انسان و واقعیت و رویدادهای کلی و تحولات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و غیر آن را می‌طلبد.

3. جهان اسلام، به ویژه در دو قرن گذشته میلادی، شاهد مبارزات فکری و حمله‌های انتقادی و تشویش تفکر اسلامی بوده است، و این مبارزات روشهای مختلفی به خود گرفته است، در این راستا تبلیغ مسیحیت نقش بزرگی و موثری در جوامع اسلامی داشته و به ترویج افکار ملحد و اباحی‌گری برای تضعیف نقش دین در جامعه می‌پرداخت، در برابر این خطرهای علمای امت و دانشمندان مسئولیت واکنش با این تهمتها و مبارزات تخریبی و حمله فرهنگی و سیاسی را به عهده گرفتند و سلاح دانشمندان ما نص قرآنی بود که سبب بیداری آنها شد و بسیاری از نقشه‌های دشمنان خنثی شد تا جایی که غلادستون گفت: (تا وقتی که این قرآن در اختیار مسلمانان باشد اروپا نمی‌تواند بر شرق مسلط شود و خودش هم در امان نیست)

4- قرآن کریم بهترین و بی نظیرترین سرمایه برای مسلمانان با مذهبهای مختلف است و این اشتراک بزرگ می‌طلبد که توجه بیشتری به مضمون قرآن و خود مسلمانان، کسانی که نقشه‌های تفرقه آمیز و اختلاف در یک دین و یک مذهب آنها را نشانه می‌گیرد، داشته باشیم، بنابراین هر کس بر اساس موقعیت و مسئولیت و علم و دانشش عهده دار این مسئولیت خطیر برای تبلیغ نور رسالت محمدی شود، از این رو عهده دار تبلیغ قرآنی می‌شویم تا به هدفمان که بازگرداندن جایگاه قرآن برای این امت نیکوکار است دست یابیم و قرآن آنها را اینچنین وصف کرده است:

(کنتم خیر امة أخرجت للناس): شما بهترین امتی بودید که برای مردم پدیدار شدید.

انطباق روشهای تفسیر قرآنی معاصر با واقعیت :

امروزه و در این عصر جدید و در سایه تحولاتش نمی‌توان تفسیر قرآن کریم را منحصر در تحقیقات آکادمی قرار دهیم یا روشهای تفسیری معینی را که به اطلاعات قرآنی و نیازهای فرد و جامعه مسلمان و حتی قانون در مسائل متغیر و قابل انعطاف توجه نمی‌کند، اختیار کنیم.

لذا مفسران جدید به روش موضوعی در تفسیر آگاهی یافتند و شهید سید محمد باقر صدر (رضوان الله علیه) از مشهورترین کسانی بود که این نوع از تفسیر را با وجود کم بودن نتایج تفسیری اش به عهده گرفت و به علت مرگ غیر منتظره‌ای که سراغش آمد به امت اسلامی اجازه نداد تا از این منبع سرشار مستفید شوند و در نتیجه جهان اسلام بلکه تمام عالم انسانی را از این نعمت گرانقدر محروم کرد.

با وجود همه اینها ما در برابر مکتب جدید و تفکرات جدید در بررسی مفاد قرآنی مواجهیم به طوری که شهید صدر از کسانی که قصد بررسی و استنطاق قرآن کریم را دارند دعوت می‌کند که اولاً: خود قرآن را بخوانند و به واکاوی آنچه که در آن است بپردازند سپس نتایج آن را به قرآن کریم و به ویژه منابع قرآنی مرتبط با موضوع معین عرضه کنند و سپس به تبیین آن بررسی برای ارجاع دوباره آن به مردم بپردازد.

این روش موضوعی تفسیر افقهای گسترده‌ای برای ایجاد مطالعات قرآنی در عنوانها و موضوعات مختلف فراهم می‌کند از جمله اینکه مسلمانان را بر ایستادگی در برابر تحریکات دشمنان یاری می‌کند، و این نیازمند این است که میان مفسران و مصلحان اتحادي ایجاد شود تا این روش قرآنی که در رد شبهات و ایجاد نظریه‌های اسلامی از آن کمک می‌گیرند سبب وحدت آنها شود.

وضعیت مقایسه‌ای :

روش موضوعی‌ای که شهید صدر (رضوان الله علیه) در پیش گرفته و آن را گسترش داده است دارای تفاوت آشکاری با دیگر مفسران است، اواز طریق این روش موضوعی در تفسیر به تبیین مطالعات قرآنی می‌پرداخت، روشی که دیگر مفسران آن را به کار گرفته‌اند ولی نه به این حد عمیق و هدفمند، و درباره بررسی‌هایش درباره ثروت و مال باید اشاره کنیم که شهید صدر توانست درباره دارایی انسان و ثروت عمومی پژوهشهای اقتصادی آشکاری را انجام دهد در حالی که تلاشهای مکتب سید جمال الدین در مصر و شاگردش رشید رضا و محمد عبده در بررسی موضوع مال و ثروت شامل دو بعد است:

1. اهمیت انفاق و تاثیر اجتماعی اش

2. تاکید بر بعد روانی و اخلاقی در مساله انفاق

این کوشش با وجود اهمیتش برای ارائه نظریه اقتصادی و اسلامی فراگیر مناسب نبوده است در حالی شهید صدر (رض) توانست مذهب اقتصادی اسلامی را تاسیس کند که به نقد مکتب‌های اقتصادی بزرگ امروز بپردازد و کتابش با عنوان (اقتصادنا) و دیگر تحقیقاتش در همان موضوع به عنوان کشف مهمی برای این نظریه‌های اصلی به شمار آید، با وجود آن باید این راه برای پژوهشگران برای گسترش این

دستاوردهاي هاي با برکت باز باشد.

بنا بر اين اين رويکرد در تفسير نزد مکتب صدریه و مکتب سيد جمال الدين، هر دو، اثر بارزي در آنچه که ما تفسير اجتماعي قرآن مي ناميم داشته است. و اين گام بزرگي براي تاسيس دايره المعارف اجتماعي قرآني و به عنوان طرحي از طرحهاي وحدت و نزديکي است به ويژه زماني که در تحقيق علمي و ارائه دیدگاه بر مشترکات و روش هاي مشترکي مبتني است.

اين نوع از تفسير در تلاشهاي مفسران بي سابقه نبوده و از اصول و قواعد تفسيري اي که قرآن پژوهان به عهده گرفته اند منحرف نشده است، بيان اين نوع از تفسير که ما در جهان معاصرمان بيشتري نياز به آن را داريم، توضيح مبسوطي را مي طلبد و ما در تحقيقاتي ديگر به بررسي آن مي پردازيم که قسمتي از آن را در کنفرانس بزرگداشت شيخ محمد جواد بلاغي(ره) که چندين سال پيش در قم برگزار شد، قرائت کردم.

دايره المعارف قرآني و اجتماعي تقريبي

اين دايره المعارف که مي خواهيم از آن سخن بگويم از مهمترين آثاري است که مبلغان قرآن کریم و قرآن پژوهان به گسترش مفاهيم و شناخت آن توجه مي کنند.

منظور از دايره المعارف اجتماعي: عبارت است از گردآوري علمي و اطلاعاتي از هر پژوهش قرآني در کتابهاي تفسير و مقالات و کنفرانسها و کتابها و تاليفاتي که صاحبانش به جا مي گذارند که اين کار نيازمنند تلاشهاي فراواني براي معرفي آنها به منظور چاپ در دفتر قرآني است. به ويژه بررسيهاي که از طريق استدلال قرآني به وحدت و تقريبي مي پردازند.

اين دايره المعارف براي کامل شدن به چه چيزهايي احتياج دارد؟

دفتر قرآني به اين دايره المعارف اجتماعي تقريبي قرآن کریم نيازمنند است و مي تواند با ويژگي هايي زير به موسسه اي که برگزار مي شود طرحهايي را ارائه کند :

1. مطالعه موضوعاتی که در زمینه تفسیر و غیر آن به طور قرآنی بررسی شده است، به ویژه موضوعات دارای ویژگی تقریبی.

2. تقسیم بندی موضوعات، به طوری که مقالات و تحقیقات متنوع و فراوانی وجود دارد که در آنها مسائل اجتماعی یا اقتصادی یا سیاسی یا فرهنگی و غیر آن از منظر اندیشه قرآنی بررسی شده است.

3. مرتب کردن این موضوعات در چارچوب موضوعات و حروف ابجدی و این دایرة المعارف برای سالهای آینده باز بماند تا به ترتیب بخش‌های چاپ شود.

4. تلاش برای وارد کردن این موضوعات در کامپیوتر از زمان آغاز کار.

5. بهتر است که برخی از دانشجویان متخصص در امور اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برای نظارت بر این بخشها فعالیت کنند.

این دایرة المعارف بخش بزرگی از این تلاش قرآنی تقریبی سودمند با هدف انتشار آن در میان مردم است و جاهای خالی زیادی خواهیم یافت که نیازمند این است که پر شود و به برای پر کردن این جاهای خالی به اصولی واقعی نیاز داریم.

مسئولیت‌های آینده در انتظار قرآنیان برای انتشار فرهنگ قرآنی تقریبی است:

1. با دقت در نسل جدید و میزان تحملشان بر این مسئولیت و محافظت از آنها در برابر مشکلاتی که درباره اصول این کتاب الهی در انتظارشان است و تلاش برای بد نشان دادن مفاد قرآنی در افکار این نسل، تلاشهای صورت گرفته در مسیر تاسیس مدارس حفظ و تجوید و قرائت قرآن کریم اهمیت زیادی در نجات از این بحران دارد، و همه آنها فعالیت‌هایی است که در قالب تلاش تقریبی مسلمانان قرار دارد.

2. چالشها علیه قرآن کریم روشهای پیچیده‌ای به خود گرفت تا جایی که برخی به تلاشهای مفسران قدیمی توجهی نکردند، امت باید از بند این تفسیرها آزاد شود و اصولی را که پژوهشگران در تفسیر قرآن کریم اعمال می‌کنند انکار شود زیرا انواع مختلفی از نوگرایی، کفرگویی، بی ارزش کردن حقیقت و وارونه کردن عدالت ظهور کرده است مانند تفاسیری که از محمد عیتانی وارد شده است که در آنها قرآن را با روش مناظره و جدل تفسیر کرده است و کوششهای نصر حامد ابو زید و شحرور سوری و جابر عصفور و

غیره که از جهتی به وحدت مسلمانان و نظریه اصیل قرآن کریم لطمه می‌زند.

در اینجا تاکید می‌شود که مسئولیت با کسانی است که در درک مضمون قرآنی مهارت دارند که این فعالیتها را با روش علمی موثری تبلیغ کنند و فرهنگ اصیل قرآنی را که از بررسی صحیح قرآنی به وجود می‌آید گسترش دهند.

3. در کتابخانه مسیحیان کتابهایی منتشر شد که بعضی از آنها بر تناقضات ظاهری میان آیات قرآن تاکید می‌کنند و مفسران به تحلیل آنها پرداخته‌اند ولی نتوانستند آنها را وارونه کنند و به اعجازیت قرآن کریم ضربه بزنند از این رو کتابهایشان آکنده از طعنه‌ها و عیب شمردن اعجاز قرآنی است، که برای مقابله با آنها فرصتهای فراوانی برای فعالیت مشترک در زمینه تحقیق علمی نیاز است.

4. بسیاری از مفسران در اینجا و مکانهای دیگر با برخی از مریدانشان جلساتی را برگزار می‌کنند تا نظریه‌های خود را بر قرآن کریم تحمیل کنند و مبانی روشن معلومات قرآنی و سنت شریف را از قبیل عصمت و شفاعت و امامت و غیر آنها ریشه کن کنند و نظریه‌های شاذی را گرد آوری و آنها را با روشهای جدیدی که سبب تناقض و مشکل نزد خوانندگان و شنوندگان نشان می‌شود ارائه می‌کنند. و همچنین زمینه‌های ایجاد شبهه و بدنامی و تهمت را به وجود آورده‌اند تا در درجه اول فکر مسلمان را مورد هدف قرار دهند، اینها اقداماتی است که نمی‌توان در برابر آنها سکوت کرد و به همفکری و طراحی روشهای موثری در برابر این ادعاهای پوچ نیازمند است.

5. کسانی‌اند که به حذف یا تغییر بعضی از روایت‌های وارد شده در منابع اهل سنت درباره اهل بیت(ع) می‌پردازند تا آن کتابها و منابع را بدون روایتهای پیامبر(ص) درباره اهل بیت سلام الله علیها چاپ کنند.

در این راستا سایتهای الکترونی برای فراگیران علم راه اندازی شد و افراطیون در آنها به ارائه واقعیتهای تاریخی به شکلی وارونه پرداختند چون حادثه غدیر و جریان سقیفه و تفسیر غلط حدیث(فاطمه بضعة منی من آذاها فقد آذانی): (فاطمه پاره تن من است هر کس که او را آزار دهد گویی مرا آزار داده است) با ادعای اینکه حضرت علی(ع) نهی شده بود که با کسی جز فاطمه (س) ازدواج نکند و غیره.

در اینجا نقش قرآنیون در اصلاح این مسیر با شفاف سازی تحقیقات علمی اهمیت می‌یابد، از آنجایی که این ادعاها و اقدامات تحریفی منجر به نابودی واقعیت علمی می‌شود و هر پژوهشگر میانه رو و غیر

افراطی‌ای با آن مواجه خواهد شد، باید در مقابل همچنین اقداماتی با روش علمی مقابله کرد.

6. سیاستی که از انتشار فرهنگ قرآنی مکتب اهل بیت در بیشتر زمینه‌ها خودداری می‌کند، و بیشتر از آن فعالیت‌های اندک صورت گرفته در راستای مکاتب تفسیری و عدم تبلیغ آنها به طور گسترده سبب شده است که فضاهای خالی موثری در فکر مسلمان ایجاد شود و لازم است که این جاهای خالی با گسترش سایت‌های الکترونیکی سودمند و کتاب مفید و فعالیت‌های سالم علمی پر شود، بی تردید احیای مکاتب تفسیری اهل بیت به شکل گسترده‌ای در دفع شکاف میان مذاهب‌های اسلامی موثر است و باید برای معرفی این مکتب تلاش‌های واقعی شود تا همه توهّمات و شبهاتی که دشمنان در کمین آن هستند در مسیر وحدت مسلمانان خنثی شود.

7. شبکه‌های ماهواره‌ای که به ارائه فرهنگ قرآنی می‌پردازند از آنجایی که میلیون‌ها بشر را مخاطب قرار می‌دهند، باید از دقت علمی و اصلاحات و توجه و دقت و شفافیت بیشتری برخوردار باشند زیرا سبب شکل‌گیری تفکراتی در میان مخاطبان می‌شوند که به تلاش بیشتر در جهت بیان واقعیت و اصلاح آن نیاز است.

8. حمایت گسترده‌ای از تلاش‌های افراطیون در مذاهب اسلامی برای تمرکز بر موارد اختلاف و کمرنگ کردن موارد اشتراک به وجود آمده و در این راستا هزینه‌های هنگفتی شده است و فعالیت‌های رسانه‌ای نیز در ماهواره‌ها و سایت‌های الکترونیکی و کتابها در بارور کردن آنها تلاش می‌کنند تا جایی که اوج این فعالیت‌ها به فتواهای تکفیری هم رسیده است، مفاد قرآنی نقش قابل توجهی در رویارویی با این منحرف‌کننده‌های مبانی حقیقی علم دارند. همچنین در اینجا در تبیین معنای صحیح معلومات قرآنی نیاز مبرمی به قرآنیون می‌باشد و باید با استفاده از همان ابزارهای اعمال شده در جبهه مقابل به کار گرفته شود، زیرا هدایت منتشر نمی‌شود مگر از جایی که گمراهی رواج یافت، خداوند سید شرف‌الدین را رحمت کند.

9. بی‌توجهی‌های فراوانی که در محیط خانواده نسبت به قرآن شده است این است که قرآن کریم در داخل خانواده و در میان فرزندان کم‌رنگ شده است تا جایی که هیچ تلاش و توجهی به قرآن کریم نمی‌شود و این در ذات خود مسئله‌ای بحرانی است که منجر به تشکیل خانواده ضعیف قرآنی می‌شود. بنا بر این نقش تقریبی در رسالت قرآنی‌شان این است که خانواده‌ای صالح و نسل‌هایی پاک سرشت تشکیل دهند و این مهم با تکیه بر روش مذهبی معینی به وجود نمی‌آید بلکه با معنویت قرآن و امکان‌پذیر است.

10. اگر خوب دقت کنیم چالش‌های دیگری می‌یابیم که نیازمند توجه بیشتر است ولی آنها را به پژوهشگران دیگر و فرصت‌های دیگر اختصاص می‌دهیم.

والحمد لله رب العالمین

[1] - سورة هود: 120.